

## Transcendent Power in the Mahdavi Political System in the Thought of Ayatollah Safi Golpayegani

Reza Mohammadzadeh<sup>1</sup>

Reza Lakzaei<sup>2</sup>

Received: 24/01/2023

Accepted: 21/02/2023



### Abstract

The basic issue of politics is power, and the waiting for the reappearance of Imam Mahdi is the issue that the era of Islamic power is waiting for. The current research aims to explain the transcendent power in the Mahdavi political system, focusing on views of the prominent Mahdavi scholar, the late Ayatollah Safi Golpayegani. In this regard, using the triangular theoretical framework of the internal system, the effective system and the ultimate system, which was one of the initiatives of one of the Muslim thinkers, the sources of power as the internal system, the agents of power as the effective system, and the goals of power as the ultimate system have been examined. This issue has been explained based on the method of implication that is presented in principles of jurisprudence (Usul Fiqh). Ayatollah Safi Golpayegani divides the power into two parts, permissive and inherent, and classifies it into five categories, and considers the power of Hazrat Waliasr (Imam Mahdi) as

---

1. Associate Professor of Imam Sadegh University. Tehran. Iran. r.mohammadzadehisu.ac.ir

2. Researcher at Imam Sadiq Research Institute of Islamic Sciences (Corresponding author).  
rlakzaee@gmail.com.

---

\* Mohammadzadeh, R., & Lakzaei, R. (1401 AP). Transcendent power in the Mahdavi political system in the thought of Ayatollah Safi Golpayegani, *Journal of Mahdavi Society*, 3(5), pp. 112-140.

DOI: 10.22081/JM.2023.65782.1064.

---

permissive and from God. The findings of the study suggest that he has analyzed the Mahdavi political system from the birth to the reappearance of Imam Mahdi and as well as formation of the Mahdavi political system with an approach to power, and considers the Mahdavi political system to be the manifestation of all the Divine Names.

### **Keywords**

Mahdiism, transcendent power, Mahdavi political system, Ayatollah Safi Golpayegani.



## قدرت متعالی در نظام سیاسی مهدوی در

### اندیشه آیت‌الله صافی گلپایگانی رحمته‌الله علیه

رضا لکزایی<sup>۲</sup>

رضا محمدزاده<sup>۱</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۰۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۰۴

#### چکیده

مسئله اساسی سیاست، قدرت است و انتظار ظهور حضرت ولیعصر عجل الله فرجه، انتظار عصر قدرت اسلام است. هدف پژوهش حاضر تبیین قدرت متعالی در نظام سیاسی مهدوی با محوریت مهدویت پژوه برجسته، مرحوم آیت‌الله صافی گلپایگانی است. در این راستا با استفاده از چارچوب نظری سه ضلعی نظام داخلی، نظام فاعلی و نظام غایی که از ابتکارات یکی از متفکران مسلمان بوده، منابع قدرت به‌عنوان نظام داخلی، کارگزاران قدرت به‌عنوان نظام فاعلی و اهداف قدرت به‌عنوان نظام غایی بررسی شده است. این بحث براساس روش دلالت که در دانش اصول فقه ارائه شده تبیین شده است. آیت‌الله صافی گلپایگانی قدرت را به دو بخش اذنی و ذاتی تقسیم و در پنج دسته طبقه‌بندی می‌کند و قدرت حضرت ولیعصر عجل الله فرجه را قدرت اذنی و از خدا می‌داند. یافته تحقیق حکایت از آن دارد که ایشان از بدو تولد تا ظهور حضرت و تشکیل نظام سیاسی مهدوی را با رویکرد به قدرت تحلیل نموده است و نظام سیاسی مهدوی را مظهر تام و تمام اسماء الحسنای الهی می‌داند.

#### کلیدواژه‌ها

مهدویت، قدرت متعالی، نظام سیاسی مهدوی، آیت‌الله صافی گلپایگانی رحمته‌الله علیه.

۱. دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق علیه السلام. تهران. ایران. r.mohammadzadehisu.ac.ir

۲. پژوهشگر پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق علیه السلام. قم، ایران (نویسنده مسئول). rlakzaee@gmail.com

\* محمدزاده، رضا؛ لکزایی، رضا. (۱۴۰۱). قدرت متعالی در نظام سیاسی مهدوی در اندیشه آیت‌الله صافی گلپایگانی. دوفصلنامه علمی - ترویجی جامعه مهدوی، ۳(۵)، صص ۱۱۲-۱۴۰. DOI: 10.22081/JM.2023.65782.1064



## مقدمه

مسئله اساسی سیاست، قدرت است و انتظار ظهور حضرت ولی عصر<sup>علیه السلام</sup>، انتظار عصر قدرت اسلام است. متفکر اندیشمند و مهدویت‌پژوه برجسته جهان تشیع آیت‌الله صافی گلپایگانی (۱۲۹۷-۱۴۰۰ش) کاملاً از دریچه قدرت به بحث مهدویت توجه داشته‌اند.

قدرت، موضوع سیاست است و باید با رویکرد به نظام سیاسی مهدوی که دارای قدرتی جهانی است، تحلیل و بررسی شود؛ اما از آنجا که آثار رایج در دانشگاه‌های کشور، ادبیات مغرب‌زمین است، لازم است دیدگاه‌های متفکران مسلمان در این باره بررسی شود. بی‌شک این امر در تولید علوم انسانی اسلامی و به‌ویژه علوم سیاسی بومی و اسلامی به جامعه علمی کشور مدد می‌رساند. مرحوم آیت‌الله صافی یکی از دانشمندان قدرت‌پژوهی است که با رویکرد به نظام سیاسی مهدوی این مفهوم کلیدی علوم سیاسی را تحلیل کرده است.

در مقاله حاضر پس از مفهوم‌شناسی با استفاده از چارچوب نظام‌های سه‌گانه که توسط یکی از متفکران مسلمان به جامعه علمی ارائه شده است، در سه محور نظام فاعلی، نظام داخلی و نظام غایی قدرت متعالی مهدوی را پی می‌گیریم (جوادی آملی، ۱۳۸۴، ص ۱۲). طبق این چارچوب نظری، هر پدیده و از جمله قدرت از سه منظر باید بررسی شود: نظام داخلی، نظام فاعلی و نظام غایی. براساس این چارچوب از منابع قدرت به‌عنوان نظام داخلی، از کارگزاران قدرت به‌عنوان نظام فاعلی و از اهداف قدرت به‌عنوان نظام غایی بر اساس روش دلالت که در اصول فقه (صافی گلپایگانی، ۱۴۲۸ق، ج ۱، ص ۳۸۰) تبیین شده، بحث با رویکردی قرآنی - روایی ارائه می‌شود. تا جایی که نگارنده جستجو کرده است، این بحث برای اولین بار ارائه می‌شود؛ البته در برخی آثار از منظری دیگر به بحث قدرت مهدوی اشاره‌هایی شده است، از جمله مقاله «الگوی قدرت نظامی جمهوری اسلامی ایران بر اساس فرهنگ مهدویت» (دهقان، ۱۴۰۰، صص ۳۳۱-۳۵۵) با رویکرد دفاعی و امنیتی و کتاب آینده جهان: دولت و سیاست در اندیشه مهدویت (کارگر، ۱۳۸۷، ص ۲۶۱) در بخش‌هایی به ساخت قدرت و حکومت مهدوی پرداخته که با بحث ما متفاوت است.

## ۱. رهیافت مفهومی قدرت متعالی

آیت‌الله صافی در یکی از آثار خود پنج معنا برای ولایت برمی‌شمرد. وی به جای ولایت، کلمه قدرت را به صورت همشین و جانشین به کار برده (صافی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۵۲) و ولایت و قدرت را کنار یکدیگر ذکر کرده است (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۵۳). اولین نوع قدرت، قدرتی است که شخص بر خودش دارد؛ مثلاً انسان قدرت دارد که به بدنش صدمه بزند یا خودکشی کند (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۶۴). علاوه بر این در این نوع از قدرت دو محدودیت وجود دارد؛ اولین محدودیت، محدودیت شرعی است؛ زیرا شارع خودکشی را حرام و ممنوع دانسته است؛ بنابراین انسان مسلمان «ولایت شرعی بر آن ندارد و اعمال ولایت تکوینی و صرف قدرت در آن جایز نیست؛ بنابراین تکویناً قدرت و ولایت هست؛ ولی صرف قدرت با نهی شرع حرام است» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۱، صص ۵۳-۵۲). بر اساس این تبیین، قدرت به مثابه ابزار است و می‌توان از آن در راه شرعی یا غیر شرعی بهره برد و این گونه نیست که ذاتاً فاسد و فسادآور باشد. وانگهی این طبقه‌بندی از قدرت یعنی تقسیم قدرت به مشروع و قدرت نامشروع را به بهانه ارزشی بودن نباید کنار گذاشت؛ زیرا دست کم برخی از قدرت‌پژوهان از جمله اسیون لوکس معتقد است قدرت و ارزش رابطه دارند که می‌توانیم از آن به‌عنوان رابطه ساقه و ریشه تعبیر کنیم: «قدرت جزء آن دسته مفاهیمی است که به‌طور ریشه‌دار به ارزش‌ها وابسته است» (لوکس، ۱۳۷۵، ص ۳۷).

محدودیت طبیعی دومین محدودیتی است که این نوع از قدرت با آن روبرو است. «انسان قدرت و اختیار دارد که از راه گوش بشنود؛ اما از شنیدن از راه چشم عاجز است، علی‌هذا در طریق قراردادن گوش برای استماع، ناچار و مضطر است و در شنیدن یا نشنیدن توسط گوش و گفتن و نگفتن توسط زبان مختار است، می‌تواند بشنود، می‌تواند نشنود، می‌تواند بگوید، می‌تواند نگوید» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۱، صص ۴۷-۴۸)؛ چنان‌که «انسان نمی‌تواند اختیار نداشته باشد؛ چون داشتن اختیار، امری از امور تکوینی است که انسان را در آن اختیار نیست، و او مختار است، چه بخواهد و چه نخواهد» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۱۳۰). بر اساس این تحلیل، تحلیل آرنت از قدرت که معتقد

است «قدرت هیچ گاه صفت و ویژگی فردی نیست، بلکه به گروه تعلق دارد و تنها تا زمانی که گروه باقی است، وجود خواهد داشت» (لوکس، ۱۳۷۰، ص ۹۵) رد می‌شود.

دومین نوع قدرت آن است که خدا به انسان استقلال صددرصد داده تا خودش همه امور را اداره کند و خداوند در کار او تکویناً و تشریحاً دخالتی نداشته باشد. این مدل، مستلزم تفویض و شرک و غیرقابل قبول و مخالف آیاتی همچون «أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ» (اعراف، ۵۴) است و «چنان ولایتی برای احدی از خلق جایز نیست» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۶۴). این دیدگاه آیت‌الله صافی در مقابل دیدگاه فوکو قرار دارد. فوکو بر این باور است که قدرت پخش است و در یکجا متمرکز نیست. به تعبیر سلین اسپکتور تجزیه و تحلیل «خرده قدرت‌ها نشان می‌دهد که قدرت محض وجود ندارد، مجموعه‌هایی از قدرت وجود دارد» (اسپکتور، ۱۳۸۲، ص ۲۳۰). یکی از دلایلی که آیت‌الله صافی برای محال بودن این مدل از قدرت ذکر می‌کند، این است که اعطای استقلال کامل به موجود ممکن، مستلزم خروج ممکن از امکان و تبدیل ممکن الوجود به واجب الوجود است که محال بودن آن بدیهی است (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۵۴)؛ بنابراین از منظر آیت‌الله صافی همه قدرت‌ها از خدا است و خداوند مرکز و منشأ قدرت است و قدرتی منهای قدرت خدا وجود ندارد و قدرت هیچ موجودی غیر از خداوند متعال مستقل تام و تمام نیست.

نوع بعدی قدرت، قدرت ملائکه است. فرشتگان با اذن خداوند در حوزه مأموریتی خویش انجام وظیفه می‌کنند و آیاتی همچون «فَالْمُدَبِّرَاتِ أَمْرًا» (نازعات، ۵) و «فَالْمَقْسَمَاتِ أَمْرًا» (ذاریات، ۴) بر آن دلالت دارند؛ البته «مانع ندارد که این مدل قدرت و ولایت به همان نحو که برای ملائکه ثابت است، برای فردی از افراد بشر که اکمل خلایق باشد، ثابت باشد» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۲۹). آیت‌الله صافی گلپایگانی چنین قدرتی را منافی با توحید، نفی غلو و آیاتی مثل «ذَلِكُمْ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ» (انعام، ۹۶) نمی‌داند؛ در عین حال معتقد است اثبات این گونه قدرت برای فرشتگان و غیر آنها «در تمام سازمان کائنات» در نهایت اشکال است و اگر دلیل قاطعی بر آن اقامه نشود، قول به غیر علم است (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۶۶).

نوع دیگر قدرت، قدرتی است که انسان با استفاده از دانش در کاینات تصرف

می‌کند؛ منشأ این دانش می‌تواند اکتساب، افاضه، الهام یا وحی باشد؛ چنان‌که قرآن مجید می‌فرماید: «قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ» (نمل، ۴۰). ولایت بر تصرف در کائنات، با ابزار علم برای انبیا و اولیا، به‌خصوص رسول خاتم و ائمه طاهر علیهم‌السلام که افضل و اعلم خلق خدا هستند، ثابت و مسلم است.

آخرین نوع قدرت، قدرتی است که شخص به وسیله آن در کائنات تصرف می‌کند. این تصرف از باب ایجاد نظم و تدبیر نیست، چنان‌که قدرت فرشتگان از این‌سنگ است، بلکه از باب مصالح و مقتضیات خاص و خرق عادت و اعجاز است؛ به عبارت دیگر کائنات چنان شوند که او بتواند در آنها تصرف نماید؛ مانند حضرت داوود که قرآن می‌فرماید: «وَأَلْنَا لَهُ الْحَدِيدَ؛ و آهن را برای او نرم کردیم» (سبأ، ۱۰؛ صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، صص ۶۵-۵۱).

این نوع از قدرت، «ولایتی است که برای رسول اکرم و ائمه طاهرين ثابت و محقق است و... نه شرک و تفویض و غلو است، و نه منافی با توحید» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ص ۶۷).

#### جدول قدرت‌شناسی در اندیشه آیت‌الله صافی گلپایگانی

ردیف	نوع قدرت	مستندات قرآنی	طبقه‌بندی قدرت
۱	قدرت انسان بر خودش و کارهایش	إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا (انسان، ۳)	اذنی
۲	قدرت منقطع از خدا	قُلْ اذْعُوا الَّذِينَ رَعِمْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ وَمَا لَهُمْ فِيهَا مِنْ شِوْكَ وَ مَا لَهُ مِنْهُمْ مِنْ ظَهِيرٍ * وَلَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ عِنْدَهُ إِلَّا لِمَنْ أَذِنَ لَهُ (سبأ، ۲۲ - ۲۳)	ذاتی بودن قدرت خداوند متعال و محال بودن قدرتی مستقل از خدا
۳	قدرت ملانکه	فَالْمُدَبِّرَاتِ أَمْرًا» (نازعات، ۵)	اذنی
۴	قدرت تصرف در کائنات با ابزار علم	قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ» (نمل، ۴۰)	اذنی
۵	قدرت اعجاز	وَأَلْنَا لَهُ الْحَدِيدَ (سبأ، ۱۰)	اذنی

آیت‌الله صافی یک نوع از این پنج نوع قدرت یعنی نوع دوم را به لحاظ عقلی و نقلی غیرقابل پذیرش می‌داند. چهار نوع قدرت دیگر از جنس قدرت اذنی هستند. تقسیم قدرت به ذاتی و اذنی با این مفاهیم از ابتکارات مرحوم آیت‌الله صافی است. ایشان فقط یک قدرت ذاتی و مستقل را به رسمیت می‌شناسد و آن قدرت خداوند متعال است و قدرت دیگر موجودات اذنی، ارتباطی و غیرمستقل است (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۲۸).

گفتیم که وی نوع اول قدرت را به مثابه ابزار و دارای ماهیتی سیال می‌داند که می‌تواند در راستای امور خیر یا شر استفاده شود. آیت‌الله صافی قدرت نوع اول را با استناد به آیت‌الکرسی در چارچوب نظام‌های سیاسی خیر و شر بسط داده و تبیین کرده است. می‌توان این نظام‌های سیاسی را به شرعی و غیرشرعی یا الهی و طاغوتی و به تعبیر دیگر به متعالی و متدانی تقسیم کرد. منظور از متعالی، نظام سیاسی الهی و شرعی است که بر اساس تعالیم و آموزه‌های قرآن و سنت حرکت می‌کند و مظهر اساء‌الحسنای الهی است و مراد از نظام سیاسی متدانی، آن نظام سیاسی است که بر اساس دستورهای الهی حرکت نمی‌کند (ر.ک: لک‌زایی و دیگران، ۱۳۹۸، صص ۱۰۸-۹۳).

آیت‌الله صافی با استناد به فرمایش خداوند متعال که می‌فرماید «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أُولِيَاءُ لَهُمُ الطَّاغُوتُ» (بقره، ۲۵۷) معتقد است این آیه شریفه بر این مطلب دلالت دارد که خداوند سبحان فقط ولی مؤمنین و طاغوت اولیای کافرین است. ولایت الهی که در این آیه ذکر شده، ظاهراً ولایتی است که به صورت هدایت و توفیق و امر و نهی و تکلیف الهی و عنایات غیبی به مؤمنان و کسانی که زمینه قبول و پذیرفتن این ولایت را دارند، محقق می‌شود؛ در نتیجه عبد تحت نفوذ و تأثیر آن اوامر و در عین اختیار خود عمل می‌کند، تا جایی که گاه بر اثر این ولایت، سر تا پایش اطاعت و تجسم مراد مولی می‌شود و حدیث قدسی معروف «كنت سمعه الذی یسمع به و بصره الذی یبصر به و لسانه الذی ینطق به و یده الّتی یبطش بها» در حقیقت صادق می‌شود و قلبش مصداق «ان القلوب بین اصبعین من اصابع الله یقلبها کیف شاء» (قمی، ۱۴۱۴، ج ۶، ص ۵۶۸) می‌گردد و دواعی او همه الهی می‌شود (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۱،



ص ۱۳۰). روشن است چنین عبدی وقتی در رأس نظام سیاسی قرار می‌گیرد، همچون یوسف صدیق یا حضرت ولی عصر علیه السلام دستورها و خواست خدا را اجرا می‌کند و جامعه را مظهر اسماء الحسنی می‌سازد و شکر نعمت قدرت را به خوبی به جا می‌آورد و کفران نعمت نمی‌کند. مخصوصاً اینکه آیت الله صافی تصریح می‌کند اختیار عبد محفوظ است و انسان با اختیار خود به این مقام دست می‌یابد.

در برابر این ولایت، ولایت شیطان و طاغوت و دعوت‌ها و اضلالات ابلیسی است که آن نیز در محدوده امور اختیاری بشر و به اختیار او انجام می‌پذیرد و مراتب مختلف دارد، تا آنجا که «أَفْرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوًى» (جائیه، ۲۳) و «حَتَمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَعَلَى سَمْعِهِمْ وَعَلَى أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةً» (بقره، ۷) و «لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ» (اعراف، ۱۷۹) در حق انسان صادق می‌شود تا حدی که شیطان نیز به او می‌گوید: «إِنِّي بَرِيءٌ مِنْكَ» و همه زمینه‌های خیر و قبول حق، در او بی‌اثر می‌شود و حامل اراده طاغوت و در ولایت کامل شیطان قرار می‌گیرد (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۱۳۰). اگر طبق این مبنا نظام سیاسی شکل بگیرد، الهی و متعالی نخواهد بود، بلکه غیرشرعی و شیطانی خواهد بود که به دنبال کسب رضایت خدا و اجرای دستورهای دین نیست.

آیت الله صافی دو بلوک قدرت آن زمان یعنی امپراتوری روم و ایران باستان را که مظهر منطق فرعونی و ادعای «أَنَا رَبُّكُمْ الْأَعْلَى» بودند، مصداق ولایت شیطان می‌داند که در نقطه مقابل ولایت انبیای الهی قرار دارند. انبیا به مردم می‌گفتند «إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُوحى إِلَيَّ؛ همانا من بشری مانند شما هستم و به من وحی می‌شود» (کهف، ۱۱۰؛ صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۱۶۵). به این ترتیب این دو قدرت مقابل یکدیگر صف‌آرایی کردند؛ زیرا پیامبران مأمور مبارزه با این قدرت‌های طاغوتی نیز بودند: «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اٰعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ؛ همانا در میان هر امتی پیغمبری فرستادیم (تا به خلق ابلاغ کند) که خدای را پرستش کرده و از بتان و طاغوت‌ها دوری گیرند» (نحل، ۳۶). یکی از پیغمبران بزرگ که در قرآن مجید از او تجلیل شده است، حضرت ابراهیم ابوالانبیا است که با شرک و بت‌پرستی نمرود و نمرودیان، به آن شکل بی‌سابقه

و بی‌نظیر مبارزه کرد و افکار را علیه شرک و بت‌پرستی و نمرود و طاغوت بسیج کرد و از قدرت طاغوتی نمرود نهراسید و با فریاد «اِنِّی بَرِّیءٌ مِّمَّا تُشْرِكُوْنَ؛ از آنچه شریک خدا قرار می‌دهید من بیزارم» (انعام، ۷۸). دل‌ها را تکان داد و مردم را به فطرت‌شان بازگرداند (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۱۲۶). طبق این تحلیل، نظام سیاسی مهدوی دارای قدرتی متعالی است و با قدرت‌های طاغوتی و شیطانی پیکار خواهد کرد.

## ۲. قدرت متعالی مهدوی

از منظر آیت‌الله صافی گلپایگانی امام مظهر به اذن خدا خلیفه و مظهر اسماء‌الحسنای الهی است (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۱۵۰) و به این دلیل که قدرت مهدوی، مظهر اسماء‌الحسنی است، متعالی نامیده می‌شود. «در هنگام ظهور حضرت بقیة الله ارواحنا فداه برای اینکه از نعمت وجود امام، بیشترین استفاده ممکن برده شود، شرایط لازم فراهم می‌شود و موانع ظهور و فعلیت یافتن شئون و ابعاد امامت که در عصر سایر امامان علیهم‌السلام و عصر غیبت خود آن حضرت وجود دارد، مرتفع می‌گردد؛ اسماء‌حسنای الهی مثل الولی‌العادل و الحاکم و السلطان و المنتقم و المبیر و القاهر و الظاهر به‌طور بی‌سابقه‌ای متجلی خواهد شد؛ به عبارت دیگر آن حضرت مظهر این اسما و کارگزار و عامل خداوند متعال (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۱۵۰) می‌باشد، و مقام خلیفه الهی او در این ابعاد، ظهور عملی و فعلی خواهد یافت. همه این شئون الهی که امام علیه‌السلام تجسم ظهور آن خواهد بود و خدا به حکمت بالغه خود، توسط آن حضرت تحقق می‌بخشد، اصالت توحیدی دارد و به اذن خدای یکتا و فرمان او انجام می‌پذیرد (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۱، صص ۱۵۱-۱۵۲).

## ۳. منابع قدرت

بر اساس تحلیل مرحوم آیت‌الله صافی گلپایگانی، قدرت یکی از اوصاف خدا است و خداوند متعال تنها منبع قدرت است و تمام موجودات، همچون سرباز مطیع او هستند و در نتیجه هر چه انسان به این منبع قدرت، نزدیک باشد، قدرتمندتر است. در ادامه برخی از منابع قدرت تبیین می‌شود.

### ۱-۳. ایمان

ایمان از مهم‌ترین منابع قدرت متعالی است. بحث آیت‌الله صافی در این زمینه کاملاً صبغه سیاسی و اجتماعی دارد. ایشان میان قوت ایمان و افزایش قدرت سیاسی رابطه برقرار می‌کند و می‌نویسد: «ضعف ایمان، قدرت را از انسان سلب کرده و او را تحت نفوذ و مرعوبیت از قدرت‌های موهوم و اعتبارات ظاهری، خوار و زبون می‌سازد. ایمان نیرویی است که انسان را توانا و قوی‌الاراده می‌سازد» (صافی گلپایگانی، ۱۴۳۳، ص ۷۹). از نظر آیت‌الله صافی ظلم به دست نظام‌های سیاسی طاغوتی که فاقد ایمان به خداوند متعال هستند، گسترش می‌یابد: «تاریخ را ورق بزنید و به پرونده‌های جرایم و جنایات مراجعه فرمایید تا بفهمید ضحاک‌ها، چنگیزها، یزیدها، حجاج‌ها و سایر دیکتاتورها و جبّاران و همچنین خیانتکاران و وطن‌فروش‌ها و بیگانه‌پرست‌ها و دزدها و آدمکش‌ها و بی‌ناموس‌ها و عیاش‌ها و میلیونها و اغنیای بی‌رحم و چاقوکش‌ها و جیب‌برها و... از چه دسته و طایفه‌ای هستند» (صافی گلپایگانی، ۱۴۳۳، ص ۷۹). از این رو ایمان منبع قدرت متعالی و بی‌ایمانی مولد خشونت و قدرت‌متدانی است؛ به این ترتیب ایمان که روح حکومت حضرت ولی عصر علیه السلام است، منبع قدرت متعالی نظام سیاسی مهدوی نیز محسوب می‌شود.

### ۲-۳. علم

نگاه آیت‌الله صافی به علم، نگاهی راهبردی است. از نظر گاه وی روی دیگر دانایی، توانایی و چهره دیگر نادانی، ناتوانی است، بلکه «عزّت و قوّت و استقلال و هر چیز خوبی که فطرت سالم و پاک بشر، طالب آن است، با علم فراهم می‌شود و ذلّت و ضعف و زبونی، نتیجه جهل و ناآگاهی است» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۰، ص ۷۳). ایشان با ذکر حدیثی که می‌فرماید «تَخَلَّقُوا بِأَخْلَاقِ اللَّهِ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۸، ص ۱۲۹)، این بحث را مطرح می‌کند که در میان صفات خداوند متعال، صفت علم، اشرف صفات و اسم العالم، اعظم اسمای صفاتیّه است. از نظر ایشان اسما و صفات جمالیّه و جلالیه، به اسم العالم و اسم القادر و صفت قدرت برمی‌گردد و از همین رو چنین نتیجه می‌گیرند که

تزیین به زیور علم و آراسته شدن به این صفت، از اخلاق دیگر بالاتر و ارزنده تر است و خود را به صفات خداوند آراسته سازید؛ یعنی دانشمند و قدرتمند شوید. به دیگر سخن «نشان یافتن و نشان داشتن از خدا، همان دارا بودن اخلاق کریمه الهی است که مهم ترین و سرآمد آنها علم و قدرت، دانایی و توانایی است. این دو صفت با هم ملازمت و مصاحبت ضروری و تنگاتنگ دارند و افتراق آنها از یکدیگر ممکن نیست. هر کجا دانایی باشد، توانایی هست و هر کجا توانایی باشد، دانایی هست؛ پس در میان آنچه بشر جسته و می جوید و مطالب و خواسته‌هایی که دارد، خواسته و مطلوبی از علم بالاتر نیست (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۰، ص ۷۲). وی به درستی معتقد است دنیا و آینده آن برای ملت‌های عالم و دانا است. وی به جوانان توصیه می کند دست یافتن به همه مدارج علمی را قابل تحصیل بدانند؛ چراکه خداوند متعال به بشر و این مخلوق هنوز هم ناشناخته، لیاقت تسخیر کائنات زمینی و آسمانی را عطا کرده و این جوانان هستند که باید با همت‌های بلند، اسرار کائنات و آیات علم و قدرت خدا را کشف کنند و ملت اسلام را به مجد و عزت دیرین و بیشتر از آن برسانند (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۰، ص ۷۳). روشن است که علم خدایی به فساد و فرعونیت نمی‌انجامد.

امام زمان علیه السلام مظهر اسم العالم و القادر خداوند متعال است و دارای این منبع از قدرت یعنی علم به کامل ترین شکل ممکن آن است.

### ۳-۳. قانون الهی

منبع دیگر قدرت از منظر آیت‌الله صافی قدرت قانون الهی است. ایشان می‌نویسد: «پیغمبر اسلام با قدرت قانون الهی تحریم شراب، چهارده قرن است که میلیاردها نفر از افراد بشر را از خسارت و زیان‌های شراب مصونیت بخشیده است». این در حالی است که حکومت آمریکا زمانی که می‌خواست می‌گساری را منع کند، چهارده سال شدیدترین مبارزات را انجام داد و بیش از ۶۰ میلیون دلار صرف تبلیغات کرد و صفحات مطبوعاتی که در زیان‌های شراب انتشار داد، به ۱۰ میلیون رسید و ۲۵۰ میلیون دلار برای اجرای قانون منع مسکرات صرف کرد و سه هزار نفر را اعدام و ۵۳۲۳۳۵ نفر

را زندانی و ۱۶ میلیون دلار جریمه گرفت و بیش از چهارصد میلیون دلار اموال را مصادره کرد. با تمام اینها شکست خورد و دنبال کار را رها کرد (صافی، ۱۴۳۳ق ب، صص ۵۱-۵۲). سایر قوانین اسلام که به دست حضرت حجت علیه السلام اجرا می‌شوند نیز چنین قدرتی دارند که واژه عدالت به آن اشاره دارد (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۲، صص ۱۸۳-۱۹۲). این عدالت قانونی و قانون فراگیر و جامع عدالت، منبع قدرت متعالی امام علیه السلام است.

#### ۴. نظام فاعلی

آیت‌الله صافی سه مرحله زندگی امام دوازدهم یعنی ولادت، غیبت صغری و غیبت کبری را نیز از زوایه قدرت بررسی کرده است. ایشان با استناد به وقایع تاریخی و برخی احادیث «بیم از کشته شدن» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۳، ص ۱۳۲) را از جمله دلایل غیبت امام منتظر برمی‌شمرد، گرچه تصریح می‌کند «علت اصلی آن بر ما مجهول است» (صافی گلپایگانی، ۱۳۸۶، ص ۱۳۳). روشن است بیم از قتل، ارتباط مستقیمی به نداشتن قدرت ظاهری دارد؛ زیرا «حاکمان وقت اگر می‌توانستند، بی‌درنگ آن حضرت را شهید می‌کردند؛ بنابراین ولادت امام از آنان پنهان ماند؛ چنانچه ولادت [حضرت] موسی علیه السلام از فرعونیان مخفی ماند. پس از ولادت نیز شخص آن حضرت از انظار آنان مخفی گشت و هرچه جهد و تلاش کردند، او را نیافتند» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۳، ص ۱۳۳).

تحلیلی که آیت‌الله صافی از پایان یافتن غیبت صغری ارائه می‌دهند نیز تحلیلی کاملاً سیاسی است و پیوند وثیقی با مسئله قدرت دارد. ایشان بحث را این گونه ترسیم می‌کند که فرض کنیم غیبت صغری ادامه می‌یافت، در آن فضا نایبان خاص امام دارای بسط ید، نفوذ کلام و قدرت ظاهری نبودند و نمی‌توانستند به صورت رسمی در کارها دخالت کنند، بلکه از سوی قدرت‌های جائر مورد تعقیب و تهدید و تعرض هم قرار می‌گرفتند. از طرفی هر از چندگاهی فرصت‌طلبان و جاه‌طلبانی هم پیدا می‌شدند که ادعای نیابت خاصه می‌کردند و باعث تفرقه و گمراهی مردم می‌شدند؛ چنان که در همان زمان اندک این اتفاق افتاد (صافی گلپایگانی، ۱۳۸۶، ص ۱۵۹)؛ بر اساس این تحلیل اولاً

وقتی نواب خاص امام زمان علیه السلام در جامعه حضور داشته، اما فاقد قدرت سیاسی باشند، خود این منصب آنان و یارانشان را در خطر قرار می‌دهد؛ ثانیاً باب ادعای نیابت امام زمان علیه السلام هم باز می‌ماند که دو پیامد منفی دارد: یکی اینکه سبب چنددستگی در جامعه اسلامی می‌شود و دیگر آنکه زمینه انحراف برخی از مسلمانان را فراهم می‌کند که هر دو در تضعیف قدرت اسلام نقش اساسی دارند؛ بنابراین خلاف مصلحت اسلام و جامعه اسلامی هستند؛ از این رو غیبت صغری که در آغاز دارای مصلحت بود، مصلحت استفاده از آن پایان یافت.

مرحوم آیت‌الله صافی با استناد به احادیثی، «به گردن نداشتن بیعت» را (صافی گلپایگانی، ۱۴۲۲ق، ج ۲، صص ۲۹۵-۲۹۶) از جمله دلایل غیبت کبرای امام منتظر برمی‌شمرد و می‌نویسد امام دوازدهم کامل‌ترین مظاهر اسم السلطان، الغالب و الحاکم است و تا زمان ظهور تحت سلطه هیچ قدرتی غیر از قدرت خدا قرار ندارد و مانند پدران بزرگوارش ناچار نمی‌شود از راه تقیه با سیاستمداران وقت بیعت کند (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۳، ص ۱۳۴).

#### ۱-۴. امام غایب، منشأ قدرت متعالی

حضور امام غایب دارای فوایدی است که بر اساس تحلیل آیت‌الله صافی با اعمال قدرت امام همراه است. «بقای شرع و حفظ حجت‌ها و بینات خدا»، نزول رحمت الهی، اعمال قدرت توسط فقها، «دلگرمی و قوت روح بندگان» (صافی گلپایگانی، ۱۳۸۶، ۱۵۵) و امتحان پیروان (صافی گلپایگانی، ۱۳۸۶، ص ۱۴۰) از جمله فواید حضور امام غایب است.

یکی از فواید حضور امام در زمان غیبت بر اساس احادیث شیعه و سنی «بقای شرع و حفظ حجت‌ها و بینات خدا» است (صافی گلپایگانی، ۱۳۸۶، ص ۱۵۲)؛ از جمله حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «اللَّهُمَّ بَلِّغْ لَنَا نَبَأَ مَنْ قَامَ لَكَ مِنْ قَائِمِ اللَّهِ بِحُجَّتِهِ إِمَّا ظَاهِرًا مَشْهُورًا وَإِمَّا خَائِفًا مَعْمُورًا [۳] لِئَلَّا تَبْطُلَ حُجَّتُ اللَّهِ وَبَيِّنَاتُهُ؛ خدایا، آری خالی نماند زمین از کسی که قائم باشد از برای خدا به حجت یا ظاهر و آشکار یا بیمناک و پنهان تا حجت‌های خدا و بینات او از میان نرود» (نهج البلاغه، ۱۳۷۴، ص ۴۹۷، حکمت ۱۴۷). آیت‌الله صافی مثالی زیبا برای تبیین این روایت ذکر می‌کند که امام همچون قلب و روح جهان

است. همان‌گونه که کار قلب خون‌رسانی به تمام اعضای بدن و کار روح، حفظ کالبد تن است، امام نیز به اذن الله نسبت به سایر مخلوقات، صاحب چنین رتبه و منزلتی است (صافی گلپایگانی، ۱۳۸۶، ص ۱۵۲)؛ بنابراین امام با حضور خویش اقداماتی حیاتی انجام می‌دهد که گرچه ممکن است ما دقیقاً متوجه آنها و سازوکارشان نشویم. طبق احادیث این امری مسلم است که نشان‌دهنده تأثیرگذاری اساسی امام است.

فایده دیگر این است که بر اساس روایات، حضور مؤمن از یک سو سبب نزول رحمت الهی و از سوی دیگر باعث دفع بلا یا می‌شود؛ از این رو برکات وجودی و فیوضات مادی و معنوی حضرت صاحب‌الامر که آقا و پیشوای همه مؤمنان است، بیش از سایر مؤمنان خواهد بود (صافی گلپایگانی، ۱۳۸۶، ص ۱۵۲)؛ بنابراین وقتی انسانی دارای دو کارویژه جلب نیکی و دفع بدی باشد، دارای قدرت متعالی است؛ از این رو وجود امام علیه السلام در سراسر تاریخ منشأ خیر و رحمت بوده و هست.

از پرتو خورشید جمال رخ یار است هر خیر و سعادت که نصیب بشر افتاد

(صافی گلپایگانی، بی‌تا، ص ۱۸)

تا اینجا استدلال ایشان رویگری هستی‌شناسانه دارد. ایشان در این زمینه استدلالی جامعه‌شناسانه هم ارائه می‌دهد. آیت‌الله صافی با استناد به سخنی از خواجه نصیرالدین طوسی که گفته است «وجوده لطف و تصرفه لطف آخر و غیبه منا» (خواجه نصیرالدین طوسی، ۱۴۰۷، ق، ص ۲۲۱) معتقد است اصل وجود امام لطف و تصرف او لطفی جداگانه است و اینکه در جامعه حکومت را در دست ندارد، از جانب ما است و «مسئول دخالت‌نکردن و تصرف‌نمودن امام در امور مردم، خود مردم هستند که حاضر به قبول رهبری آن حضرت نیستند و مخالفت می‌ورزند... اگر مردم حاضر به اطاعت و فرمانبری بودند، آن حضرت ظاهر می‌شد و در این جهت فرقی بین امام حاضر و غائب نیست»؛ بنابراین مردم نمی‌توانند به وجود این نعمت اعتراض کنند یا نعمت‌بودن آن را انکار کنند، بلکه باید در رفتار خود تجدید نظر کنند تا برکات حضرت در دوره حکومتشان بهره‌مند شوند (صافی گلپایگانی، ۱۳۸۶، ص ۱۵۳).

فایده دیگری که آیت‌الله صافی برای غیبت امام ذکر می‌کند، کاملاً جنبه سیاسی و

اجتماعی دارد. ایشان می‌نویسد بر امام واجب نیست که شخصاً و بدون واسطه در امور دخالت کند، بلکه می‌تواند به دیگران به صورت خصوصی یا عمومی برای انجام کارها مأموریت دهد؛ به دیگر سخن همان‌طور که امیرالمؤمنین و ائمه علیهم‌السلام از طرف خود در شهرهایی که حاضر نبودند، دیگران را منصوب می‌فرمودند، امام هم در زمان غیبت صغری کسانی را به مقام نیابت خاصه نصب فرمود و در غیبت کبری به‌طور عموم، فقها و علمای عادل را که دانا به احکام هستند، برای اجرای سیاسات و حفظ مصالح عالی اسلامی نصب و تعیین کرده که مرجع امور خلق باشند؛ بنابراین فقها در عصر غیبت به نیابت از آن حضرت دارای ولایت‌اند (صافی گلپایگانی، ۱۳۸۶، ص ۱۵۵)؛ بنابراین امام علیه‌السلام با فقها اعمال قدرت می‌کند که تفصیل آن مجال دیگری می‌طلبد. بعد دیگر این اعتقاد آن است که دیگر حاکمان، غاصب این مقام و فاقد مشروعیت هستند؛ زیرا حکومت از آن حضرت ولی عصر و در زمان غیبت متعلق به نائبان ایشان است.

فایده بعدی حضور امام این است که «موجب دلگرمی و قوّت روح بندگان خدا و اهل‌الله و کسانی که سالک سیل هدایت هستند می‌باشد و به عبارت دیگر یک نقطه اتکاء برای سالکان سیل‌الله است. خود این موضوع که امام حی و زنده داریم و ملجأ و پناهگاه و حافظ شریعت است، موجب قوّت قلب و استحکام روح و مانع از تسلط یأس و نومیدی بر سالکان و مجاهدان است و همواره از او مدد می‌گیرند و همت می‌طلبند و این مسئله از نظر علم‌النفس بسیار اساسی و مهم است. پس وجود امام از جهت قدرت روح و قوّت قلب و پناهگاه روانی و نقطه اتکای مؤمنان، لازم و واجب است و این یک فایده بزرگی است که برای آن هم نصب امام حتماً و قطعاً و عقلاً و شرعاً لازم است» (صافی گلپایگانی، ۱۳۸۶، صص ۱۵۶-۱۵۷).

#### ۲-۴. قدرت امام و یارانش

آیت‌الله صافی در آثارش احادیثی را ذکر کرده است که ناظر به قدرت جسمی و روحی امام و یاران ایشان است. از جمله ایشان نقل می‌کند حضرت امام حسن مجتبی علیه‌السلام فرمود: «فرزند نهم از فرزندان برادرم حسین را خدا عمرش را در غیبتش



طولانی نماید؛ سپس به قدرت، خود او را آشکار سازد، در صورت، جوانی که کمتر از چهل سال داشته باشد» (شیخ صدوق، ۱۳۹۵ق، ج ۱، ص ۳۱۶؛ علی بن خزاز قمی، ۱۴۰۱ق، صص ۲۲۴-۲۲۶). نیز حضرت امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّ الْقَائِمَ هُوَ الَّذِي إِذَا خَرَجَ كَانَ فِي سِنِّ الشُّيُوخِ وَمَنْظَرِ الشَّبَّانِ قَوِيًّا فِي بَدَنِهِ؛ قائم آن کسی است که وقتی ظاهر شود در سن پیران و منظر و سیمای جوانان و با قوت بدن باشد» (شیخ صدوق، ۱۳۹۵ق، ج ۲، ص ۳۷۶).

وی راجع به قدرت یاران امام زمان علیه السلام هم به احادیثی استناد کرده است؛ از جمله اینکه امام صادق علیه السلام راجع به قدرت یاران امام مهدی علیه السلام می‌فرماید: «... آنها ستون محکم هستند و به مردی از آنها نیروی چهل مرد داده شده و قلب آنها از تگه‌های آهن محکم‌تر است که اگر بر کوه‌های آهنین عبور کنند، آنها را خرد می‌کنند. دست از شمشیرشان بر نمی‌دارند و آن قدر می‌جنگند تا اینکه خداوند عز و جل راضی شود» (قندوزی حنفی، ۱۴۲۲ق، ج ۳، ص ۲۴۱).<sup>۱</sup> همچنین امام باقر علیه السلام می‌فرماید: خدای متعال می‌فرماید: «... آنها مردانی شجاع‌تر از شیر و برنده‌تر از شمشیر می‌شوند» (قندوزی حنفی، ۱۴۲۲ق، ج ۳، ص ۲۹۸).

#### ۳-۴. روش اعمال قدرت امام

بحث دیگری که در نظام فاعلی باید به آن پردازیم این پرسش است که امام زمان علیه السلام چگونه با ۳۱۳ نفر دنیا را مسخر خویش می‌فرماید و چگونه ممکن است میلیارد‌ها انسان تسلیم یک جمعیت اندک شوند و از عادات و اخلاق و برنامه‌ها و سنن خود دست بردارند. مرحوم آیت‌الله صافی در پاسخ این پرسش‌ها می‌نویسد بر حسب روایات، وقتی حضرت صاحب‌الامر علیه السلام ظهور می‌فرماید، نخست ۳۱۳ نفر از خواص اصحاب آن حضرت در مکه معظمه خدمتش حاضر می‌گردند و وقتی عده اصحاب به

۱. طو عن أبي بصير قال: قال جعفر الصادق رضي الله عنه: ما كان قول لوط عليه السلام لقومه لو أن لي بكم قوة أو آوي إلي ركن شديد إلا تمنيا لقوة القائم المهدي و شدة أصحابه، و هم الركن الشديد، فان الرجل منهم يعطي قوة أربعين رجلا، و إن قلب رجل منهم أشد من زبر الحديد، لو مروا بالجال الحديد لتدكدكت، لا يكفون سيوفهم حتى يرضى الله (عز و جل).

ده هزار نفر رسید از مکه خارج می‌شوند (صافی گلپایگانی، ۱۴۲۲ق، ج ۳، ص ۱۲۷) و انقلاب را رقم می‌زنند.

راجع به غلبه آن حضرت و تشکیل حکومت جهانی اسلام هم آیت‌الله صافی معتقد است ممکن است به طور اعجاز انجام یابد و ممکن هم هست با فراهم شدن امکانات و اسباب ظاهری یا با ترکیبی از هر دو انجام شود؛ چنان‌که پیشرفت و غلبه پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به هر دو شکل بود (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۳، ص ۱۹). ایشان در توضیح اعمال قدرت امام به صورت اعجاز می‌نویسد حصول چنین غلبه مطلق برای آن حضرت، به خواست خداوند، امری ممکن و معقول است و با وعده‌های صریح و بشارت‌های حتمی که در قرآن مجید و احادیث متواتر داده شده، حاصل خواهد شد و خداوند به مصداق آیه «كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ» (بقره، ۲۴۹) آن حضرت را بر تمام جهانیان حاکم و وارث و مالک کره زمین قرار می‌دهد (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۳، ص ۲۰).

آیت‌الله صافی از لحاظ اسباب و علل ظاهری هم تشکیل حکومت الهی مهدوی را ممکن و عملی می‌داند. به باور ایشان آن حضرت زمانی ظهور می‌کند که اوضاع و احوال اجتماعی و اخلاقی و سیاسی کاملاً مساعد باشد. در آن زمان بشر از مدنیت معنوی و اخلاقی محروم می‌شود و دشمنی و کینه و ظلم و تجاوز، همه را نسبت به یکدیگر بدبین می‌کند و از هم جدا می‌سازد و وحدت، همفکری و همکاری، به کلی رخت بر می‌بندد و انسان‌ها از اینکه کسی بتواند بدون مدد غیبی جامعه را رهبری کند، مأیوس می‌گردند و خلاصه همه از وضع خود ناراضی و با یکدیگر در جنگ و ستیز و از مکتب‌های مختلف ناامید خواهند شد و منتظر انقلاب و عوض شدن اوضاع و کناررفتن زمامداران خدانشناس و برداشته‌شدن مرزها و الغای تجزیه‌ها و تقسیم‌ها می‌باشند. در چنین موقعیتی، حضرت صاحب‌الزمان ارواح العالمین له الفدا و اصحابش، با نیروی ایمان و اخلاق حسنه و با نجات‌بخش‌ترین برنامه‌های عمرانی و اقتصادی و عدالت اجتماعی، برای انقلاب و دعوت به قرآن و اسلام، قدم به میدان می‌گذارند و نهضت الهی و دعوت روحانی خویش را آغاز می‌کنند و مردم را به سوی خدا و احکام

خدا و برابری و برادری، عدل و امنیت، صفا و وفا، راستی و درستی و نظم صحیح می‌خوانند، در حالی که خود حضرت و اصحابش، نمونه و سرآمد همه فضایل بشری هستند و با نیروی ایمان و استقامت و پشتکار و همتی که مخصوص مؤمنان ثابت‌قدم است، هدف و مقصد خود را تعقیب می‌کنند. مشخص است این جمعیت با آن برنامه‌ها و وضع کار، در آن دنیای پر آشوب و غرق در طوفان گرفتاری‌ها و فشارها، دل‌ها را به خود متوجه می‌کنند و فاتح و پیروز و موفق می‌شوند و هیچ نیرویی نمی‌تواند در برابر آنها مقاومت کند. شاهد این حقیقت، همان ظهور رسول اکرم صلی الله علیه و آله و پیشرفت سریع دین اسلام و فتوحات محیرالعقول مسلمانان در قرن اول اسلام است که یکی از علل ظاهری آن پیروزی‌های پی در پی و درهم شکسته شدن ارتش‌های انبوه دولت شاهنشاهی ایران و امپراطوری روم، فساد اوضاع اجتماعی و اداری ایران و روم بود که مردم این کشورهای پهناور را برای قبول یک دعوت صحیح و حکومتی متکی به مبانی عدالت و مساوات آماده کرده بود.

اوضاع جهان برای قبول دعوت حضرت امام زمان مهدی علیه السلام که همان دعوت به اسلام و قرآن است، مطابق اخبار، به مراتب از اوضاع عالم در زمان بعثت پیغمبر صلی الله علیه و آله آماده‌تر خواهد شد و همان‌طور که کلمه اسلام در آغاز ظهور اسلام به سرعت پیشرفت کرد و صدای توحید بر همه صداها غالب شد و اسلامی که در مقداری از تاریخش منحصر به پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و علی و خدیجه علیها السلام بود، با وجود فقدان وسایل، در جهاد و دفع یورش مشرکان، به سرعت موفق گردید و لشکرهای منظم مسلحی را که در دنیای آن روز مجهزترین سلاح‌ها را در دست داشتند، درهم شکست و نابود ساخت. همین‌طور امام زمان علیه السلام نیز با اصحاب و یاورانش که از ابتدای کار به تعداد مجاهدان میدان جهاد بدر هستند، می‌تواند دنیای منقلب و ناآرام آن روز را آرام و مردم را چنان امیدوار به آینده درخشان و پر از خیر و رحمت و برکت نماید که در سریع‌ترین فرصت همه به دین اسلام گرویده، آمادگی خود را برای قبول یک سازمان الهی اسلامی محکم و پایدار، در تحت سرپرستی امام عصر علیه السلام نشان دهند (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۳، صص ۲۱-۲۴).

## ۵. اهداف قدرت متعالی جهانی

به اعتقاد آیت‌الله صافی گلپایگانی از جمله اموری که تجلی توحید را در ظهور حضرت مهدی عج روشن می‌سازد، این است که اهداف توحیدی اسلام مثل وحدت حکومت و نظام، وحدت قانون، وحدت دین و وحدت جامعه، به دست آن حضرت تحقق می‌یابد و همان‌گونه که در احادیث وارد شده است، خدا خاور و باختر جهان را به دست آن حضرت فتح می‌نماید؛ چنان‌که در روایت معروف جابر است که رسول خدا ص فرمود: «ذَلِكَ الَّذِي يَفْتَحُ عَلَيَّ يَدَيْهِ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا» (صافی گلپایگانی، ۱۴۲۲، ج ۱، ص ۱۰۶)؛ به این ترتیب حکومت توحید، با قدرت متعالی توحیدی خویش توحید را در ابعاد مختلف سبک زندگی بشر جاری و ساری می‌سازد.

### ۱-۵. تشکیل حکومت واحد

یکی از اهداف قدرت متعالی نظام سیاسی مهدوی، تشکیل حکومتی واحد در سراسر جهان است. ریشه تمام اختلافات، شرک و انصراف از خدای یگانه و پرستش غیر خدا است (صافی گلپایگانی، ۱۳۸۶، ص ۱۰۲). هر کس برای خودش حق قانونگذاری قائل باشد، خود را شریک خدا دانسته است و هر انسانی که برای انسانی دیگر به چنین حقی اعتراف کند، بندگی خود را نسبت به او پذیرفته است؛ زیرا خضوع در برابر احکام خدا، پرستش خدا و خضوع در برابر نظام‌هایی که مصدر آن خدا نیست، پرستش غیر خدا است (صافی گلپایگانی، ۱۳۸۶، ص ۱۰۳)؛ از این رو امتیاز جامعه جهانی اسلام بر هر جامعه دیگری در طول تاریخ به این است که محور تمام امور در این جامعه، خدا و احکام خدا است و تعالیم اسلام برای اداره جامعه جهانی وافی و کافی است (صافی گلپایگانی، ۱۳۸۶، ص ۱۰۸). نظام سیاسی مهدوی با تشکیل حکومت جهانی توحیدی طرز تفکر مردم را عوض می‌کند و سطح افکار را بالا می‌برد و دیدگاه بینش افراد را وسیع می‌سازد که بدون بیم از جنگ، و وحشت از اسلحه‌های مخرب، به هم نزدیک شوند و با هم تفاهم کنند (صافی گلپایگانی، ۱۳۸۶، ص ۱۰۹).

## ۲-۵. ایجاد وحدت و اخوت فراگیر

یکی دیگر از اهداف نظام سیاسی مهدوی ایجاد برادری و اخوت واقعی میان تک تک افراد بشر است و روشن است که وحدت بدون قدرت پدید نمی‌آید؛ قدرتی که آن اخوت را پدید آورد و از آن در برابر گردنکشان و مستکبران بین‌المللی حمایت و حفاظت کند؛ بنابراین دین حق همه را در زیر یک پرچم که فقط تعلق به خدا دارد و به هیچ کشور، حکومت، نژاد و شخصی منتسب نیست، قرار می‌دهد و جامعه انسانی را مانند یک جسد می‌سازد: «مَثَلُ الْمُسْلِمِينَ فِي تَرَاحُمِهِمْ وَتَوَادُّهِمْ وَتَعَاطُفِهِمْ كَمَثَلِ الْجَسَدِ إِذَا اشْتَكَى عُضْوٌ مِنْهُ تَدَاعَى سَائِرُهُ بِالْحَمَى وَالسَّهَرِ» (ابن عربی، ۱۴۰۸ق، ص ۱۳۷). اسم و رسم پرچم اسلام این است که اهل هر مملکتی بتواند در زیر آن گرد آید و کسی نتواند آن را به خود یا به جامعه خود منتسب سازد و در نتیجه عصیّت ایجاد گردد. پرچم اسلام پرچمی است که در سایه آن عصیّت‌های نژادی و وطنی و عصیّت‌های دیگر باید از میان برود؛ چراکه پرچم‌هایی که به نام‌های دیگر است، رمز تفرّق و اختصاص و عنوان جدایی و اختلاف‌اند. تشریعات اسلام شامل همه است و اگر این تشریعات اجرا شود، ملت‌ها را خودبه‌خود به سوی جامعه جهانی می‌برد و ملیت‌های مختلف را در ملیت تمام اسلامی هضم و سعادت دو جهانی آنان را تأمین می‌کند (صافی گلپایگانی، ۱۳۸۶، ص ۱۰۶).

## ۳-۵. برقراری عدالت همه‌جانبه

حکومت واحد با قانون واحد بر امت عاقل و واحد جهان، پیچیدگی و سختی ندارد و می‌توان به مدد قدرت متعالی تولیدشده از وحدت متعالی، عدالت متعالی را در همه سطوح پدید آورد؛ بنابراین مهم‌ترین کار امام زمان علیه السلام برقراری عدالت در سطح جهان و در همه سطوح است. مصلح بزرگ الهی که بشارت ظهور او با تمام مشخصات و خصوصیات داده شده، قیام می‌کند و دست به اصلاحی عمومی در تمام عالم می‌زند و به تمام این بدبختی‌ها خاتمه می‌دهد. او از دودمان پیامبر اسلام و از نسل علی و فاطمه زهرا خواهد بود و به مقتضای حدیث معروف «يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا» که درباره او از طرق بی‌شماری روایت شده است، این مصلح عالی‌مقام، جهان

را در لوای یک حکومت حق و عدالت در خواهد آورد. از حضرت امام حسن عسکری علیه السلام روایت شده است: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يُخْرِجْنِي مِنَ الدُّنْيَا حَتَّى أَرَانِي الْخَلْفَ مِنْ بَعْدِي أَشْبَهَ النَّاسِ بِرَسُولِ اللَّهِ خَلْقًا وَخُلُقًا يَحْفَظُهُ اللَّهُ فِي عَيْبَتِهِ ثُمَّ يُظْهِرُهُ فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جُورًا وَظُلْمًا؛ سپاس مختصّ خدایی است که مرا از دنیا خارج نساخت تا جانشین مرا بعد از من به من نمایاند که شبیه‌ترین مردم به رسول خدا صلی الله علیه و آله از جهت خلق و خُلق می‌باشد. خدا او را در غیبتش حفظ می‌فرماید؛ سپس ظاهر می‌شود؛ پس پر می‌کند زمین را از قسط و عدل، چنان‌که پر شده از ظلم و جور» (صافی گلپایگانی، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۳۹۸).

#### ۴-۵. برقراری امنیت در همه سطوح

امنیت اولی‌ترین و فوری‌ترین نیاز هر انسانی است که باید دولت آن را تأمین کند. نظام سیاسی مهدوی هم به این هدف اولی توجه دارد و امنیت را به فراگیرترین و عمیق‌ترین شکل ممکن برای همه فراهم می‌کند. آیت‌الله صافی می‌نویسد ظهور آن حضرت برای اتمام نورالله و تحقق مطلق هدف دعوت انبیا و صلح و صفا و امنیت عمومی در زیر پرچم اسلام و یکتاپرستی و اجرای احکام قرآن مجید در سراسر گیتی است (صافی گلپایگانی، ۱۳۸۶، ص ۱۳۷). در زمانی که انقلابات و فتن و فساد و هرج و مرج و جنگ‌های خانمان‌برانداز و قحط و غلا و امراض، ملل را به ستوه آورده باشد، خداوند متعال مصلح واقعی جهان، حضرت مهدی آل محمد صلی الله علیه و آله را که نهمین از فرزندان امام حسین و فرزند گرامی امام حسن عسکری است علیه السلام، برانگیزد تا به واسطه ظهورش اضطرابات و انقلابات مرتفع، صلح و امنیت عمومی برقرار و حکومت واحد جهانی تشکیل شود و شرق و غرب جهان را خدا به دست آن حضرت و برای او بگشاید (صافی گلپایگانی، ۱۳۸۶، صص ۱۱۳-۱۱۴).

#### ۵-۵. برقراری توحید

هدف نهایی نظام سیاسی مهدوی استقرار توحید در سطح جهان است و به مدد

قدرت متعالی مهدوی محقق می‌شود. خداوند وعده داده است البتّه پیغمبران را غالب سازد و یاری کند و معلوم است که این نصرت و غلبه فقط نصرت و غلبه در آخرت نیست؛ برای اینکه می‌فرماید: «فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا» (غافر، ۵۱) و نصرت و غلبه انبیا بر قوم خودشان و پیشرفت کار آنها در عصر خودشان هم نیست؛ زیرا دعوت بسیاری از پیغمبران در قومشان اثر نبخشید، بلکه بعضی از آنها کشته شدند. این نصرت و غلبه، نصرت و غلبه مقصد و هدف و دعوت آنها است که طبق ظاهر آیات، مقید به مرتبه‌ای نیست، بلکه نصرت و غلبه مطلق است.

همچنین است اتمام نور. معنای اینکه خدا نور خود را در مقابل آنهاپی که می‌خواهند نور او را خاموش کنند و مانع از پیشرفت اسلام شوند، تمام می‌گرداند، این است که دین را جلو می‌برد و بر قلمرو اسلام می‌افزاید و اتمام آن وقتی است که اسلام تمام جهان را بگیرد؛ چنان که معنای استخلاف و جانشینی مؤمنین در زمین و وارث شدن آنها زمین را نیز استخلاف در تمام زمین و وارث شدن کره زمین است که برای امام زمان و یاران و اصحاب آن حضرت حاصل می‌شود.

معنای غلبه حق بر باطل به‌طور اطلاق هم غیر از این نیست که به تمام معنا حق بر باطل پیروز شود و اگر از جهت حجّت و برهان غالب باشد - با اینکه به این معنا همیشه غالب است - ولی در ظاهر غالب نباشد، غلبه مطلق نیست و ظاهر این آیات غلبه مطلق است و اما آیه «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» (توبه، ۳۳؛ فتح، ۲۸) که دلالتش بر غلبه اسلام واضح است و مؤید مستفاد از این آیات است. روایاتی در این خصوص از حضرت رسول ﷺ منقول است، مثل «لَيَدْخُلَنَّ هَذَا الدِّينُ عَلَيَّ مَا دَخَلَ عَلَيْهِ اللَّيْلُ؛ البتّه این دین در هر کجا که شب داخل شده باشد، داخل می‌شود» و شاید نکته اینکه فرمود «عَلَيَّ مَا دَخَلَ عَلَيْهِ اللَّيْلُ» و نفرمود «عَلَيَّ مَا دَخَلَ عَلَيْهِ الْيَوْمُ أَوْ السَّمْسُ»، تشبیه دین به آفتاب باشد که همان‌طور که روز و آفتاب در هر کجا که شب رفته باشد، وارد می‌شود، خورشید عالم تاب اسلام نیز به تمام اماکن پرتوافکن خواهد شد و تاریکی کفر و شرک و ضلالت را نابود خواهد ساخت؛ همان‌طور که آفتاب، تاریکی شب را از میان می‌برد و نور اسلام را در همه شهرها و روستاهای بزرگ و کوچک روشن گرداند (صافی گلپایگانی، ۱۳۸۶، صص ۳۳-۳۵).

## ۶-۵. گسترش رفاه و ریشه کن کردن فقر

گسترش اخلاق، بهداشت، سلامت، رفاه، آسایش و آرامش از دیگر اهداف میانی قدرت متعالی نظام سیاسی مهدوی است. در حکومت مهدی در همه جا احکام آسمانی قرآن اجرا شود، مقررات و قوانین الهی (که از اغراض و منافع شخصی منزه است) بر همه حکومت کند و همه سازمان‌ها در راه رفاه و آسایش خلق و عمران و آبادی بکوشند و تکامل علمی و اخلاقی بشر با بهترین برنامه شروع شود و بالاخره از فرط بهبود و ترقی سطح زندگی، فقری در تمام دنیا باقی نماند. این مطالب یک‌به‌یک در روایات مسلم شیعه و سنی نقل شده و تفصیل آن در کتاب منتخب الاثر بیان شده است (ر.ک: صافی گلپایگانی، ۱۳۸۶، ص ۹۸). ما معتقدیم و یقین داریم سرانجام اداره امور جهان در کف باکفایت صالح‌ترین افراد بشر قرار خواهد گرفت و بشریت از آسیب ظلم و ستم نجات می‌یابد و از ترس فقر، پریشانی و ناامنی‌های گوناگون آزاد می‌شود (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۳، ص ۹۴).

## نتیجه‌گیری

مسئله مقاله حاضر تبیین قدرت متعالی در نظام سیاسی مهدوی علیه‌السلام بر اساس اندیشه مهدویت پژوه برجسته و کم‌نظیر شیعه آیت‌الله لطف‌الله صافی گلپایگانی بود. از منظر ایشان نظام سیاسی مهدوی مظهر تام و تمام اسماء الحسنای الهی است. برای این مهم از چارچوب بومی نظام‌های سه‌گانه بهره بردیم. نکته مهم و قابل توجه در مباحث این بود که وی کاملاً از منظر قدرت به تبیین نظریه مهدویت پرداخته است؛ یعنی از آغاز تولد حضرت تا غیبت صغری و کبری و تشکیل دولت کریمه مهدوی، تحلیل قدرت بر پایه دیدگاه آیت‌الله صافی قابل مشاهده است.

نکته قابل توجه دیگر این است که ایشان به طور مبسوط به تعریف و طبقه‌بندی قدرت پرداخته است و پس از تبیین مفهوم قدرت جایگاه و مفهوم قدرت متعالی امام و یارانش را بر اساس همان چارچوب تبیین کرده و قدرت حضرت را مصداق و مظهر اسم العالم، القادر، الحاکم، العادل، الظاهر و الغالب خداوند متعال دانسته است. ضمن



آنکه وی معتقد است اسما و صفات جمالیه و جلالیه، به اسم العالم و اسم القادر و صفت قدرت برمی گردد و از این رو علم در کنار ایمان به منشأ قدرت و قانون الهی که بیانگر علم بی کران خداوندی است، منبع اصلی قدرت در نظام سیاسی مهدوی است. همچنین آیت الله صافی اهداف متعالی قدرت نظام سیاسی مهدوی را بر محور توحید، عدل، امنیت، سلامت، رفاه و آرامش و آسایش بشر تبیین می کند که در کنار سایر مباحث نشان از آن دارد که قدرت متعالی مهدوی سراسر خیر و برکت برای بشریت است و این گونه نیست که قدرت متعالی توحیدی بی نظیر و فراگیر مهدوی در پایان تاریخ به فساد منجر شود.



## فهرست منابع

\* قرآن کریم.

\* نهج البلاغه.

۱. ابن‌العربی، محمد بن عبدالله. (۱۴۰۸ق/۱۹۸۸م). احکام القرآن. بیروت: دارالجیل.
۲. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۴). قرآن در نهج البلاغه. فصلنامه پژوهش‌های فقهی. ۱(۲)، صص ۵ - ۲۸.
۳. اسپکتور، سلین. (۱۳۸۲). قدرت و حاکمیت در تاریخ اندیشه غرب با متن‌هایی از... (مترجم: عباس باقری). تهران: نشر نی.
۴. دهقان، محمدحسن. (زمستان ۱۴۰۰). الگوی قدرت نظامی ج.ا.ایران بر اساس فرهنگ مهدویت. فصلنامه علمی مطالعات بین‌رشته‌ای دانش راهبردی، ۱۱(۴۵)، صص ۳۳۱-۳۵۵.
۵. شیخ صدوق، محمد بن علی. (۱۳۹۵ق). کمال‌الدین و تمام النعمة (مصحح: علی‌اکبر غفاری). تهران: اسلامیه.
۶. صافی، لطف‌الله. (۱۳۸۶). نوید امن و امان (چاپ بیستم). تهران: مرکز تنظیم و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی صافی‌الکلبایگانی رحمته‌الله‌علیه.
۷. صافی، لطف‌الله. (۱۳۹۰). با جوانان (چاپ بیست و سوم). قم: مرکز تنظیم و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی صافی‌الکلبایگانی رحمته‌الله‌علیه.
۸. صافی، لطف‌الله. (۱۳۹۲). ولایت تکوینی و ولایت تشریعی. قم: مرکز تنظیم و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی صافی‌الکلبایگانی رحمته‌الله‌علیه.
۹. صافی، لطف‌الله. (۱۳۹۳). پاسخ به ده پرسش پیرامون امامت. قم: مرکز تنظیم و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی صافی‌الکلبایگانی رحمته‌الله‌علیه.
۱۰. صافی، لطف‌الله. (۱۳۹۵). امامت و مهدویت، ولایت و امامت خاصه و عامه (ج ۲). قم: مرکز تنظیم و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی صافی‌الکلبایگانی رحمته‌الله‌علیه.

۱۱. صافی، لطف‌الله. (۱۳۹۷). امامت و مهدویت، ولایت و امامت خاصه و عامه (ج ۳). قم: مرکز تنظیم و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی رحمته‌الله.
۱۲. صافی، لطف‌الله. (۱۳۹۱ق). سلسله مباحث امامت و مهدویت. قم: دفتر نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی رحمته‌الله.
۱۳. صافی، لطف‌الله. (۱۴۲۲ق). منتخب الأثر فی الإمام الثاني عشر عليه السلام. قم: مکتب آیه‌الله لطف‌الله الصافی گلپایگانی رحمته‌الله.
۱۴. صافی، لطف‌الله. (۱۴۲۸ق). بیان الاصول. قم: مکتب المرجع الدینی آیت‌الله الشیخ لطف‌الله الصافی گلپایگانی رحمته‌الله، دائرة التوجیه و الإرشاد الدینی.
۱۵. صافی، لطف‌الله. (۱۴۳۳ق الف). راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر. قم: مرکز تنظیم و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی رحمته‌الله.
۱۶. صافی، لطف‌الله. (۱۴۳۳ق ب). صحیح صادق. قم: مرکز تنظیم و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی رحمته‌الله.
۱۷. صافی، لطف‌الله. (بی تا). آرزوی وصال. نرم‌افزار مجموعه آثار آیت‌الله صافی گلپایگانی رحمته‌الله.
۱۸. علی بن خزاز قمی. (۱۴۰۱ق). کفایه الاثر (محقق: سید عبداللطیف حسینی کوه‌کمری). قم: بیدار.
۱۹. قمی، شیخ عباس. (۱۴۱۴ق). سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار. قم: الاسوه.
۲۰. القندوزی الحنفی، سلیمان بن ابراهیم. (۱۴۲۲ق). بنایع الموده لذوی القربی (محقق: سیدعلی جمال اشرف الحسینی). قم: دارالاسوة للطباعة والنشر المطبعة.
۲۱. کارگر، رحیم. (۱۳۸۷). آینده جهان، دولت و سیاست در اندیشه مهدویت. قم: مرکز تخصصی مهدویت.
۲۲. لک‌زایی، رضا و ارجینی، حسین. (۱۳۹۸). ایضاح مفهومی قدرت در اندیشه سیاسی امام خمینی رحمته‌الله. دوفصلنامه معرفت سیاسی، ۲۲، صص ۹۳-۱۰۸.
۲۳. لوکس، استیون. (۱۳۷۰). قدرت، فر انسانی یا شر شیطانی (مترجم: فرهنگ رجائی). تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

۲۴. لوکس، استیون. (۱۳۷۵). قدرت، نگرشی رادیکال (مترجم: عماد افروغ). تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.

۲۵. مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار. بیروت: دارالاحیاء التراث.

۲۶. نصیرالدین طوسی، محمد بن محمد. (۱۴۰۷ق). تجرید الاعتقاد (با ملاحظات محمدجواد حسینی جلالی). تهران: مکتب الاعلام الاسلامی.



## References

\* The Holy Qur'an

\* Nahj al-Balaghah

1. Ali bin Khazaz Qomi. (1401 AH). *Kefayah al-Athar* (Hosseini Kohkamari, S. A. Ed.). Qom: Bidar. [In Arabic]
2. Al-Qunduzi al-Hanafi, S. (1422 AH). *Yanabi Al-Mawadah le Dawe al-Qoraba*. (Ashraf al-Husseini, S. A, Ed.). Qom: Dar al-Uswah le Taba'ah va al-Nashr al-Matba'ah. [In Arabic]
3. Dehghan, M. H. (1400 AP). The model of military power of J.A. Iran based on the culture of Mahdism. *Journal of Interdisciplinary Studies of Strategic Knowledge*, 11(45). pp. 331-355. [In Persian]
4. Ibn al-Arabi, M. (1408 AH). *Ahkam al-Qur'an*. Beirut: Dar al-Jail. [In Arabic]
5. Javadi Amoli, A. (1384 AP). Quran in Nahj al-Balagha. *Journal of Jurisprudential Research*. 1(2), pp. 5-28. [In Persian]
6. Kargar, R. (1387 AP). *The future of the world, government and politics in Mahdavi thought*. Qom: Specialized Mahdavit Center. [In Persian]
7. Lakzaei, R., & Arjini, H. (1398 AP). An explanation of the concept of power in Imam Khomeini's political thought. *Journal of Political Marafet*, (22), pp. 93-108. [In Persian]
8. Lux, S. (1370 AP). *Power, human fur or demonic evil* (Rajae, F. Trans.). Tehran: Institute of Cultural Studies and Research. [In Persian]
9. Lux, S. (1375 AP). *Power, a radical attitude* (Afrough, E, Trans.). Tehran: Rasa Cultural Services Institute. [In Persian]
10. Majlesi, M. B. (1403 AH). *Bihar al-Anwar*. Beirut: Dar Ihya al-Torath. [In Arabic]
11. Nasir al-Din Tusi, M. (1407 AH). *Tajrid al-Itiqad (with remarks by Mohammad Javad Hosseini Jalali)*. Tehran: Maktab al-A'alam al-Islami. [In Arabic]
12. Qomi, A. (1414 AH). *Safina al-Bihar va Madinah Al-Hikam va Al-Athar*. Qom: Al Uswah. [In Arabic]

13. Safi, L. (1386 AP). *The promise of safety and security* (20<sup>th</sup> ed.). Tehran: The Center for Organizing and Publishing the Works of Ayatollah Safi. [In Persian]
14. Safi, L. (1390 AP). *With youth* (23<sup>rd</sup> ed.). Qom: The Center for Organizing and Publishing the Works of Grand Ayatollah Safi. [In Persian]
15. Safi, L. (1391 AP). *A series of discussions on Imamate and Mahdism*. Qom: The Center for Organizing and Publishing the Works of Grand Ayatollah Safi. [In Persian]
16. Safi, L. (1392 AP). *The Developmental Vilayat and the Legislative Vilayat*, Qom: The Center for Organizing and Publishing the Works of Grand Ayatollah Safi. [In Persian]
17. Safi, L. (1393 AP). *Answers to ten questions about Imamate*. Qom: The Center for Organizing and Publishing the Works of Ayatollah Safi. [In Persian]
18. Safi, L. (1395 AP). *Imamat and Mahdaviat, Wilayat and special and public Imamate* (Vol. 2). Qom: The Center for Organizing and Publishing the Works of Ayatollah Safi. [In Persian]
19. Safi, L. (1397 AP). *Imamate and Mahdaviat, Wilayat and special and public Imamate* (Vol. 3). Qom: The Center for Organizing and Publishing the Works of Hazrat Ayatollah Safi. [In Persian]
20. Safi, L. (1422 AH). *Muntakhab al-Athar Fi Imam al-Thani al-Ashar*. Qom: School of Ayatollah Lotfollah Al-Safi Al-Golpaigani. [In Arabic]
21. Safi, L. (1428 AH). *Bayan al-Usul*. Qom: Maktab Al-Marja' Al-Dini, Ayatollah Al-Sheikh Lotfollah Al-Safi Al-Golpaygani, Department of Al-Tawjih va Al-Irshad al-Dini. [In Arabic]
22. Safi, L. (1433 AH). *Sobhe Sadegh*. Qom: The Center for Organizing and Publishing the Works of Hazrat Grand Ayatollah Safi. [In Arabic]
23. Safi, L. (1433 AH). *The way of reforming or enjoining good and forbidding evil*. Qom: The Center for Organizing and Publishing the Works of Grand Ayatollah Safi. [In Arabic]

24. Safi, L. (n.d.). *A desire to connect*. The software of Ayatollah Safi Golpayegani's collection of works.
25. Sheikh Sadouq, M. (1395 AH). *Kamal al-Din va Tammam al-Na'amah* (Ghafari, A. A, Ed.). Tehran: Islamia. [In Arabic]
26. Spector, C. (1382 AP). *Power and sovereignty in the history of Western thought with texts from...* (Bagheri, A, Trans.). Tehran: Ney Publications. [In Persian]

